

تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «روح...» منتشر شد

«چهره‌ای نزدیک به واقع از امام خمینی (ره)»



چهارمین یاسداشت هنر و ادبیات انقلاب اسلامی، صبح یکشنبه (۱۱ خردادماه ۱۴۰۴)، در مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد. این مراسم به رونمایی از تقریظ حضرت آیت ا... خامنه‌ای بر کتاب «روح...» روایت مستند زندگی امام خمینی (ره) اختصاص داشت. آنچه در ادامه می‌آید، علاوه بر متن این تقریظ تازه، شامل معرفی هادی حکیمیان، نویسنده کتاب «روح...» و اثر اوست. همچنین، در همین زمینه گفت وگویی با علیرضا مختارپور قهرودی، نویسنده و پژوهشگر، انجام داده ایم که می‌توانید آن را بخوانید.



بسمه تعالی

این کتاب توانسته است چهره‌ی نه‌ی نزدیک به واقع از امام خمینی ترسیم کند؛ خردمندی، دوراندیشی، ایمان ناب، اخلاص در عمل، اراده‌ی پولادین، باور ژرف به گفته و عمل و هدف خود، شجاعت بی‌ نظیر دانش‌ گسترده، روح لطیف و زلال، امید و اعتماد به خدا... و البته ویژگیهای دیگری هم هست که این نویسنده به آن دست نیافته است. امام خمینی در این کتاب، بحق - رهبری بزرگ و بی‌ نظیر است که باور او به مردمش، نیمی از محصول کار او را تشکیل میدهد.

من هم مانند نویسنده میگویم، خدا خمینی را تا ظهور حضرت مهدی ارواحناده برای اسلام و مسلمین نگهدارد. مطالعه‌ی این کتاب برای نسل جوان ما بسیار سودمند است.

مرداد ۱۴۰۳

تادیر نشده، باید فکری کرد



پانزدهم اردیبهشت ۱۳۲۳، جمعی از روحانیون در منزل شیخ محمد صدوقی مهمان‌ اند. یکی از منبری‌های یزد هم حضور دارد. او دفتر بزرگی فراهم آورده که در مسافرت‌ها با خود می‌برد و از اغلب دوستان و آشنایان می‌خواهد به رسم یادگار چند سطری بنویسند. چند نفری از حاضران خواهش فرد مذکور را قبول می‌کنند و در حد رفع تکلیف چیزهایی



ساده، مثل مردم یزد



هادی حکیمیان (زاده ۱۳۵۷ در یزد) دانش آموخته رشته تاریخ است، اما بیشتر در کار نوشتن داستان بوده است. البته این بدان معنا نیست که او یکسره تاریخ را رها کرده است؛ برعکس، حکیمیان، در اغلب آثار ادبی خود، به مسائل تاریخی توجه داشته است. اصلاً، او، چنان‌که خود گفته است، چون دلش می‌خواسته است رویدادهای تاریخی را بیشتر و بهتر به‌گوش دیگران برساند، سراغ داستان رفته است. حکیمیان، در حوزه هنری یزد، نزد جلال توکلی شاگردی کرده است، نویسنده تهرانی که از نوجوانی در یزد زیسته و خود آثاری درخور آفریده است. این استاد سبب ساز پیوند شاگرد با حلقه‌های بزرگ‌تر و معتبرتر شده و به این ترتیب او را در راه خود ثابت قدم کرده است. انتشار آثار حکیمیان در نشریاتی همچون «آزما» و «کلک» و «گلستانه» گواهی بر فعالیت حرفه‌ای اوست. البته رفت و آمد این نویسنده به مراکز و محافل پایتخت باعث نشده

«این فصل را با من بخوان»*



کتاب «روح...» روایت مستند هادی حکیمیان از زندگی امام خمینی (ره) است. این کتاب را انتشارات «شهرستان ادب» سال ۱۴۰۱ و در ۴۱۲ صفحه چاپ و منتشر کرده است. «روح...» ۱۰ فصل دارد که به ترتیب از این قرارند: «آقای شاه»، «سفر فرنگ»، «مجلس ترجمه»، «آیین دوست‌یابی»، «پیراهن مشکی‌ها»، «بذله‌گویی با رب دوشامبر»، «شخص ثالث»، «ندبه»، «امت و امامت»، «ملکوت»، این فصول، هر کدام، ویژه بخشی مهم از زندگانی رهبر کبیر انقلاب است، به عنوان مثال، فصل نهم بر رویدادهای نخستین سال‌های انقلاب و نقش امام در گذر از بحران‌ها تمرکز دارد، و فصل دهم درباره شیوه‌های مدیریتی امام در دوران جنگ و تحریم‌های اقتصادی است که در نهایت به درگذشت و مراسم

است که او از اصل خود دور بیفتد؛ یزد و ه‌ران چیز که بدان مربوط است، از جمله لهجه یزدی، در آثار او جلوه‌ای چشمگیر دارند، آثاری که در سادگی نیز به آن دیار و مردمانش می‌مانند. حکیمیان نویسنده‌ای است پُرکار که برخی آثارش نیز جایزه برده‌اند و پرفروش بوده‌اند. سیاهه نوشته‌های او، که رمان و داستان در آن بیشتر به چشم می‌آید، از این قرار است: مجموعه داستان «گل‌انارها را باد می‌بُرد» (سوره مهر، ۱۳۸۴)، رمان «برج قحطی» (شهرستان ادب، ۱۳۹۴)، داستان نوجوان «تنگه زاغ» (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۴)، «باد سرخ: خاطرات امیر دریا دار دوم عرشه ناصر سرنوشت» (سوره مهر، ۱۳۹۶)، رمان نوجوان «باغ خرما» (شهرستان ادب،

تشییع ایشان ختم می‌شود. گفتنی اینکه نویسنده کتاب یک روایت خطی را در پیش نگرفته و به همه وقایع زندگی امام نیز نپرداخته است. حکیمی، خود، یافتن نامه‌ای را که امام در آن به اتفاقات انتخابات مجلس شورای ملی در یزد پرداخته است، جرقه نگارش کتاب «روح...» معرفی کرده است: «امام» (به گونه‌ای معرفی شده که انگار فعالیت‌های سیاسی‌اش از سال ۴۱ شروع شده و مخالفت با لویایح شش‌گانه، اما من دیدم که امام در سال ۳۱ چنین نامه‌ای دارند و انتخابات آن زمان برای امام این قدر مهم بوده است. [...] دیدم که امام از دوران جوانی‌اش، حتی از دوران رضاشاه، جقدر در جریان‌ات سیاسی و اجتماعی موضع‌گیری و نقش داشته است؛ این‌طور نبوده که تازه از سال ۴۱ یک دفعه وارد سیاست شود. به ذهنم آمد که می‌شود مقاله‌ای بنویسم درباره این بُعد از شخصیت امام که مغفول مانده است. شروع کردم به فیش برداری و اطلاعاتم به حدی رسید که متوجه شدم می‌شود یک کتاب نوشت.»

برمی‌دارد و، ضمن تأملی کوتاه، شروع می‌کند به نوشتن: «بخوانید و به کار بندید! بسم... الرحمن الرحیم قال... تعالی: قل إنما أعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی و فرادی.» خدای - تعالی - در این کلام شریف از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح

برمی‌دارد و، ضمن تأملی کوتاه، شروع می‌کند به نوشتن:

«بخوانید و به کار بندید!

بسم... الرحمن الرحیم قال... تعالی: قل إنما أعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی و فرادی.»

خدای - تعالی - در این کلام شریف از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح

● انظر جناب عالی، ضرورت این تقریظ‌ها چیست و تأثیر ضمنی‌شان چه ممکن است باشد؟

البته در طول تاریخ هم تقریظ بوده، و برای اهداف مختلفی صورت می‌گیرد؛ گاهی برای تشویق نویسنده است. گاهی به واسطه اهمیت موضوع است؛ انواع دارد. اما عمده تقریظ‌های رهبری بر کتاب‌های دفاع مقدس بوده، یعنی قسمت اعظمشان این هاست، و چند کتاب هم از حوزه‌های دیگر هستند. ایشان معتقد هستند که حفظ و ثبت تجربیات دفاع مقدس و استفاده از آن‌ها برای این انقلاب یک ضرورت استراتژیک است و تا سال‌ها برای ما پشتوانه فرهنگی، ادبی، علمی و حتی نظامی و استراتژیک فراهم می‌کند. باز خود حضرت ایشان بارها فرموده‌اند که دست‌هایی در کار است، گروهی عاقدانه و گروهی هم شاید از روی غفلت می‌خواهند این مقطع مهم تاریخ کشور ما را، تنها جنگی را که در آن ما یک سانی متر از خاکمان را هم به دشمن ندادیم، موضوعی را که می‌تواند برای ما باعث عزت و افتخار باشد، به فراموشی بسپارند یا به عنوان دوران ضرر و شکست و عقب‌گرد و انحطاط معرفی کنند. بگویند که اصلاً ایران برای چه جنگ کرد، همان اول قطعنامه را می‌پذیرفت و بعداً می‌رفت دنبال زمین‌هایی که ازش گرفته بودند. البته به همه این‌ها پاسخ داده شده است، اما هنوز جاده حرف‌هایی هست. از این رو، ایشان،

۱۳۹۶)، داستان «سرو بلند گوراب» (سوره مهر، ۱۳۹۶)، رمان نوجوان «خواب پلنگ» (شهرستان ادب، ۱۳۹۷)، رمان «برج ناز» (شهرستان ادب، ۱۳۹۸)، رمان «بست طهران» (شهرستان ادب، ۱۳۹۸)، رمان زندگی نامه‌ای «من مهدی آذریزدی هستم» (صاد، ۱۴۰۰)، «روح...» روایت مستند زندگی امام خمینی (ره) (شهرستان ادب، ۱۴۰۱)، «باغ فرهنگ: زندگی نامه پروفیسور علی اکبر فرهنگی» (صاد، ۱۴۰۲)، داستان نوجوان «صنوبر» (قمقه، ۱۴۰۲)، داستان نوجوان «اسپاگتی با سس قرمز» (دفتر نشر معارف، ۱۴۰۳)، کسب عنوان برگزیده نهمین دوره جشنواره «داستان انقلاب» و عنوان شایسته تقدیر در نوزدهمین دوره جشنواره «شهید حبیب غنی پور» و نیز نامزدی در دو جایزه ادبی «قلم زرین» و «جلال آل احمد» از جمله افتخارات حکیمیان هستند.

«روح...» البته همتایان و رقیبانی پر شمار دارد، اما از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را برجسته می‌سازند. مهم‌ترین ویژگی این کتاب همان رویکرد استنادی و پژوهشی است که در همه اجزای آن به چشم می‌آید. باین همه، کتاب «روح...» اثری خشک و ملال‌آور نیست؛ نویسنده، در نگارش پژوهش خویش، از شیوه‌های خاص داستان‌نویسی بهره گرفته و آن را خواندنی کرده است. این دومین ویژگی اثر اوست. سومین ویژگی برآیند ویژگی پیشین است: جذابیت برای جدل جوان، کسانی که - اغلب - آثار پژوهشی دانشگاهی را خوش نمی‌دارند و بیشتر به روایت علاقه‌مندند. جز این‌ها، توجه نویسنده به ابعاد عرفانی شخصیت امام خمینی و تحلیل تأثیر این جنبه‌ها در قدرت رهبری ایشان نیز از ویژگی‌های مهم کتاب «روح...» است که آن را در میان آثار مشابه ممتاز می‌کند.

* بخشی است از این مصراع علی معلم: «این فصل را با من بخوان باقی فسانه ست.»

دو جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلت رسانده، قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آن‌ها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند. خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده، قیام برای منافع شخصی است که روح و جدل جوان، برادری را در ملت اسلامی خفه کرده، قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشت‌ی شهوت پرست پشت میزنشین شدند.

همان‌طور که بارها نوشته‌اند و حتی در دیدار با ستاد کنگره شهدای استان‌های مختلف گفته‌اند، این کتاب‌ها را می‌خوانند، برای اینکه نسل جوان با این دوران افتخارآمیز آشنا بشوند. در دورانی که ایران در شرایط تحریم بود و حتی چند تن که سیم‌خاردار هم به ما نمی‌دادند، جوانان بیست‌تا سی ساله توانستند بزرگ‌ترین جنگ قرن بیستم را به شکلی انجام دهند و در آن جوری دفاع کنند که کوچک‌ترین ذره‌ای از خاک ما نرود و قطعنامه جهانی صادر بشود که رژیم صدام بوده که متجاوز بوده و ایران دفاع کرده. بنابراین، ایشان، گاه به‌گاه، تقریظ نوشتند و اجازه دادند که این تقریظ‌ها منتشر بشود. و دیدیم که با انتشار این‌ها کتاب‌ها مورد توجه قرار گرفتند، تعدادی آن‌ها را خریدند، تعدادی خواندند، حتی از بعضی‌هاشان اقتباس‌هایی صورت گرفت؛ از «بیست و سه سال» فیلم ساختند، از «حوض خون» و «تنها گریه کن» مجموعه تلویزیونی ساختند. به نظر من، درباره انقلاب هم همین است، چنان‌که الان چهارمین یاسداشت ادبیات انقلاب را هم برگزار کرده ایم. درباره ادبیات انقلاب، تا حالا چهار کتاب داشته ایم که رهبری بر آن‌ها تقریظ نوشته‌اند؛ «دختران آفتاب»، «تن تن و سندباد»، «آن مرد با باران می‌آید»، و «روح...». در این بین، البته «ایستگاه خیابان روزولت» را هم داشته ایم که سال گذشته رونمایی شد و آن هم درباره حوادث مربوط به انقلاب بود. البته یک نکته‌ای هست که چندین بار در مصاحبه‌هایی به دوستان رسانه‌ای گفته‌ام؛ اینکه ایشان چند کتاب را معرفی می‌کنند به این معنا نیست که فقط همین کتاب‌ها خوب‌اند. ایشان، خودشان، هم در سخنرانی‌هایشان گفته‌اند که هزاران کتاب خوب در این حوزه‌ها هست. هنر رسانه‌ها این است که بروند پنج‌تا کتاب مانند این‌ها را تبلیغ کنند، معرفی کنند به مردم، به جوانان، هزاران کتاب خوب هست. اصلاً، ایشان مگر چندتا کتاب را می‌رسانند. فرصت می‌کنند بخوانند؟! این‌ها نمونه‌اند، الگوهایی برای اینکه جامعه بتواند استفاده کند و بخواند، نویسندگان بنویسند، ناشران منتشر کنند. تا آن‌ها... جامعه

